

Analysis The Themes Network of Surveying and collectivization in order to discover the pattern of Social Communication From perspective of Ahlul-Bayt ^(PBUH) Traditions

DOI: 10.30497/quran.2020.14807.2895

Ahmad Zarnegar*
Amin Abbaspour**
Seyed Hadi Mousavi***

Received: 16/03/2020

Accepted: 19/08/2020

Abstract

Islam's comprehensive, deep, and realistic focus on society and social affairs, if not unparalleled, is undoubtedly a unique issue in the history of mankind. The issue of companionship has a direct effect on a person; either a good and positive effect, or a bad effect. The influence of the element of social communication on the doctrinal as well as the practical dimension of man is an undeniable and vital role. Considering the many narrations included in the issue of companionship or Loneliness, this article intends to answer the following questions: Does the association & companionship have a limit in terms of narrations or is it extensive? And in what cases is it better for a person to be isolated than to be in society? We have many traditions in this issue that we have tried to study them using the method of "thematic analysis" for drawing a network of their extensive themes. By analyzing the information and narrative data on this issue, a total of 23 important themes are mentioned, which are classified into two absolute and relative categories, and research findings show that The superiority of companionship or Loneliness is not in question; but What matters is one's religion should be preserved; Whether through companionship or Loneliness or seclusion.

Keywords: *Social communication, companionship, Loneliness, Traditions, Thematic Analysis.*

* Assistant Professor, IRIB University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

ahmad110zar@gmail.com

** Master of Quranic and Hadith Sciences, Imam Sadegh University, Tehran, Iran.

amin.abbaspour313@gmail.com

*** Master of Quranic and Hadith Sciences, Imam Sadegh University, Tehran, Iran.

sedhadi1372@gmail.com

تحلیل شبکه مضامین احادیث الفت و عزلت

به منظور کشف الگوی ارتباطات اجتماعی از منظر اهل بیت (ع)

DOI: 10.30497/quran.2020.14807.2895

احمد زرنگار*

امین عباس پور**

سید هادی موسوی ییوکی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۱

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۹ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده

توجه همه جانبه، عمیق و واقع بینانه اسلام به جامعه و امور و مسائل اجتماعی، اگر نگوییم امری بی نظیر است، بدون شک در تاریخ بشریت موضوعی کم نظیر به شمار می‌رود. مسئله الفت و مصاحبت‌ها اثری مستقیم بر آدمی دارد؛ چه اثر نیک و مثبت، و چه اثر ناپسند و سوء. تاثیر عنصر ارتباطات اجتماعی بر بعد اعتقادی و نیز عملی انسان، نقشی انکار ناپذیر و حیاتی است. با توجه به روایات فراوان وارد شده در مسئله الفت و نیز عزلت، این نوشتار بر آن است که به سوالات زیر پاسخ دهد: آیا از منظر روایات، الفت و ارتباطات اجتماعی مطلق است یا عزلت و تفرّد؟ و آیا معاشرت (الفت) از نظر روایات حدی دارد یا وسیع است؟ و در چه مواردی اگر انسان عزلت‌گزیند بهتر است از اینکه در اجتماعی باشد؟ روایات فراوانی در این باب داریم که تلاش شده با استفاده از روش «تحلیل مضمونی» به مطالعه آنها پرداخته و از ره‌آورد این روش با ترسیم شبکه مضامین گسترده آنها، به فهمی دقیق‌تر از مراد معصومین علیهم‌السلام دست یابیم. با تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌های روایی در موضوع الفت و عزلت، مجموعاً ۲۳ مضمون کلیدی و مهم در باب روابط اجتماعی اشاره شده که در دو دسته‌ی مطلق و نسبی طبقه‌بندی می‌شوند و یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد اساساً بحث افضلیت الفت یا عزلت مطرح نیست، بلکه اصل بر آن است که دین شخص حفظ گردد؛ چه از طریق الفت، و چه با عزلت نشینی.

واژگان کلیدی

ارتباطات اجتماعی، الفت، عزلت، روش تحلیل مضمون.

ahmad110zar@gmail.com

* استادیار دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

amin.abbaspour313@gmail.com

** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق، تهران، ایران.

sedhadi1372@gmail.com

*** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق، تهران، ایران.

طرح مسئله

بدون شک اسلام تنها دینی است که اجتماع و زندگی اجتماعی را اساس تعلیمات خویش قرار داده و روح جامعه را تا آخرین حد ممکن در احکام و معارف خویش نفوذ داده است. به نظر می‌رسد که با یک مطالعه متوسط و گذرا در تاریخ اسلام به خوبی می‌توان فهمید که پیامبر اکرم (ص) در عین داشتن حالاتی کاملاً فردگرایانه نظیر اعتکاف، تفکر، محاسبه نفس، تهجد و امثال آن، دارای شخصیتی کاملاً اجتماعی و جمع‌گرایانه بوده‌اند؛ چوپانی، تجارت، فرماندهی، امامت، جنگجویی، مجاهدت، فصل نزاع‌ها و قضاوت، در اختیارگیری بیت المال و غنیمت، تقسیم اموال و نظایر آن، همگی به خوبی چهره اجتماعی و برون‌گرای پیامبر (ص) را ترسیم می‌کند.

عمل جمعی یکی از پراهمیت‌ترین مسائلی است که در زمینه زیست مادی انسان توسط علماء مطرح شده است و از این منظر، هر تعالی و تکاملی از طریق عمل جمعی میسور افتاده است. بررسی ابواب متعدد فقه - چنانکه برخی از فقهای بزرگ معاصر انجام داده‌اند - به خوبی این حقیقت را روشن می‌کند که ابواب فقهی یا فی نفسه اجتماعی‌اند و یا باید به وسیله جامعه، اقامه و به پا داشته شوند. از این رو، حکومت در لسان فقیه و مصلح بزرگ، امام خمینی (ره) به فلسفه عملی تمامی فقه تعریف می‌شود (نک: خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۲۸۹). دین اسلام حقیقتی جمعی و گوهری اجتماعی دارد، رسالتش متوجه جمع است و توسط جمع هم باید اقامه شود، و در نهایت علاوه بر اینکه غیب‌گرا و عقبی‌گراست، داعیه پیراستن و آراستن مظاهر دنیوی مردم را دارد.

از طرفی دیگر، بسیاری از روایات بر عزلت‌گرایی و گوشه‌گیری از جمع مردم تأکید دارند؛ به گونه‌ای که در امان ماندن از شرور و حفظ دین افراد در عمل به این توصیه دانسته شده است. خصوصاً آنکه در شرایط غیبت امام، زمانه دچار تغییر احوال و فساد گشته و دأب بسیاری از عالمان و صالحان بر عدم اختلاط با مردم بوده است. پژوهش حاضر با این عنوان کم سابقه و یا بی‌سابقه است و تحقیقی میان رشته‌ای به شمار می‌رود. وجه نوآوری نوشتار پیش رو، علاوه بر دسته بندی و تحلیل مضمون روایات حوزه الفت و عزلت، پاسخ به این سؤالات است که با توجه به روایات وارد شده در دینداری، اینکه انسان تنها باشد بهتر است، یا اینکه در جمع بی‌دینان باشد؟ انسان با چه کسانی باید معاشرت کند و از چه کسانی باید دوری گزیند؟ به باور نویسندگان این سطور، آنچه در روایات در مورد الفت و عزلت مطرح شده، جنبه اصالی و مطلق ندارد، بلکه رابطه نسبیّت برقرار است؛ به این معنا که اجتماع‌گرایی و یا گوشه‌گیری، تابع شرایط

مکانی و زمانی است. در این مقاله با روش تحلیل مضمون، به مسئله الفت و عزلت از منظر روایات و اصالت و یا نسبت این دو خواهیم پرداخت.

پیشینه تحقیق

مسئله الفت و عزلت، اگر چه مبحثی مهم و پرکاربرد در میان مباحث اسلامی است، اما تاکنون به طور دقیق از منظر روایات اهل بیت علیهم السلام بدان پرداخته نشده است. امینی و حلالخور (۱۳۹۳ش) در پژوهشی تحت عنوان «اصول روابط اجتماعی در سبک زندگی قرآنی در حوزه تعاملات اجتماعی» با تبیین اینکه در حوزه بایدها و نبایدهای اخلاقی، مهمترین مباحث، مباحثی است که جنبه اجتماعی دارد، به بررسی مبانی تعاملات و کنش‌های اجتماعی با تکیه بر آیات قرآن کریم پرداخته‌اند. جباری و طهماسبی (۱۳۹۴ش) در تحقیقی با عنوان «بررسی آداب صحبت و خلوت در تصوف» ضمن بررسی موضوع صحبت و خلوت به عنوان آداب تصوف اسلامی که نقشی مؤثر در زندگی فردی و اجتماعی اهل تصوف اسلامی و سیر و سلوک آنان در جهت نیل به حقیقت داشته است، کوشیده‌اند گزاره‌های مرتبط با حوزه روابط اجتماعی را از منظر تصوف بررسی نموده و به منظومه‌ی مفاهیم آن دست یابند.

دولت آبادی (۱۳۹۵ش) نیز در پژوهشی با عنوان «عزلت عرفانی در روایات»، با گردآوری روایات مرتبط با موضوع عزلت، کوشیده است فواید و آفات عزلت را تبیین نماید. از این رو، آنچه تاکنون در زمینه بررسی حوزه مفهومی الفت و عزلت به زیور طبع آراسته گردیده است، به رغم ارزشمند بودن، دربردارنده‌ی بخشی از مباحث مربوط به الفت و عزلت می‌باشد. بررسی کتابخانه‌ای و علمی نگارندگان حکایت از آن دارد که تاکنون پژوهشی جامع که با روش تحلیل مضمون به تحلیل خانواده احادیث الفت و عزلت بپردازد، صورت پذیرفته است؛ که این مسأله بیانگر نوآورانه بودن مبحث و بدیع بودن موضوع در میان تحقیقات صورت گرفته است.

روش تحقیق

در دهه اخیر پژوهش‌ها و تحقیقات با رویکرد تجزیه و تحلیل محتواهای کیفی، منجر به پیشرفت‌هایی گسترده در حیطه علوم انسانی گشته است. این تحقیقات از طریق روش‌ها و شیوه‌های گوناگونی به صورت پذیرفته است. با این حال، کماکان ساز و کار مناسبی برای تجزیه و تحلیل عمیق این داده‌ها وجود ندارد. این موضوع، یکی از مشکلات پژوهشگران در رشته‌های مرتبط با علوم انسانی است که از روش‌های توصیفی و کیفی استفاده می‌کنند (استیرلینگ، ۲۰۰۱).

در واقع آنچه تاکنون در این زمینه بدان پرداخته شده، ناظر به مسائل مربوط روش‌های کیفی (نظیر چرایی استفاده از این روش، چگونگی و...) بوده است؛ از این رو، توجه کمتری به نحوه تحلیل داده‌های متنی که پژوهشگران کیفی در مرحله پایانی جمع‌آوری داده مورد بررسی قرار می‌دهند، اختصاص داده می‌شود. یکی از مهم‌ترین روش‌های تحلیلی که در طی سالیان اخیر توسط پژوهشگران مورد اقبال قرار گرفته است، «تحلیل مضمون» نام دارد. کارکرد این روش در تحلیل داده‌های کیفی، کشف عمقی و تعیین گستره مفاهیم داده‌ها است و در حوزه‌های مختلفی از دانش قابل بهره‌برداری می‌باشد. در تعریف این روش، آن را شیوه‌ای برای شناسایی، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی معرفی می‌کنند. این روش فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (براون و کلارک، ۲۰۰۶).

همچنین تحلیل مضمون روشی است که هم برای بیان واقعیت و هم برای تبیین موضوع به کار می‌رود. البته به دلیل ماهیت تفسیری و توصیفی تحلیل مضمون، باید به روایی و پایایی آن بیشتر اهتمام شود که این امر، نیازمند به کارگیری کدگذاران مستقل است. از این رو، تحلیل مضمون در مقام قیاس با سایر روش‌های کیفی، دقت و زمان فراوانی می‌طلبد. فهم صحیح مضمون، از نقاط اصلی در فرآیند تحلیل مضمون است (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۹).

یکی دیگر از ویژگی‌های بارز و کاربردی این روش، طبقه‌بندی و تنظیم اطلاعات است. روش تحلیل مضمون، قادر است گستره‌ی انبساط یافته مفاهیم را منقبض نموده و آن‌ها را در یک یا چند مضمون اصلی و کلیدی فراهم آورد. به عبارت دیگر این روش در مواردی کاربرد دارد که با حجم انبوهی از اطلاعات متعدد و پراکنده مواجه هستیم و قصد داریم آن‌ها را به گونه‌ای منطقی و منظم طبقه‌بندی نماییم. از همین رو، کارکرد این روش در محتواهایی که گستردگی اطلاعاتی زیادی دارند به خوبی مشخص می‌شود. مراحل انجام این روش، شامل موارد زیر می‌باشد:

- ۱- آشنایی با محتوای اولیه: هنگام شروع تحلیل مضمون، پژوهشگر اقدام به جمع‌آوری و مکتوب کردن داده‌ها نموده و ایده‌های اولیه را جمع‌آوری می‌نماید.
- ۲- کدگذاری اولیه: این مرحله پس از مطالعه و آشنایی اجمالی داده‌ها توسط پژوهشگر آغاز می‌شود. در این قسمت، متن به بخش‌های کوچکتر تقسیم شده و ویژگی‌های جالب داده‌ها کدگذاری می‌شود.

- ۳- جست و جو و شناخت مضامین: زمانی که تمامی اطلاعات، کدگذاری اولیه شده باشد و فهرستی از آن‌ها در مجموعه داده‌ها فراهم آمده باشد، مرحله سوم از روش تحلیل مضمون آغاز می‌گردد. در این مرحله، به استخراج مضامین از بخش‌های کد گذاشته شده و همچنین تطبیق کدها با قالب مضامین پرداخته می‌شود.
- ۴- ترسیم شبکه مضامین: گام چهارم وقتی شروع می‌شود که پژوهشگر، مجموعه‌ای پیشنهادی از مضامین را آماده نموده و درصدد پالایش آن باشد. در این مرحله، مضامین مرتب و دسته بندی شده و نقشه‌های مفهومی مضامین ترسیم می‌گردد.
- ۵- تحلیل شبکه مضامین: وقتی که پژوهشگر شبکه مضامین موضوع مورد نظر خود را آماده نماید، می‌تواند مضامین پیشنهادی را تعریف نموده و داده‌ها را بر اساس آن‌ها تحلیل و بررسی کند. تعریف و نامگذاری مضامین و توصیف آنها نیز در این مرحله انجام می‌پذیرد.
- ۶- تدوین گزارش: آخرین مرحله، تحلیل و تدوین گزارش نهایی تحقیق است. در واقع هدف غایی تحلیل مضمون آنست که اطلاعات غامض و مبهم در متون، استخراج گردد. گزارش ارائه شده باید دارای قرائن مناسبی پیرامون مضامین موجود در داده‌ها باشد.

۱. تحلیل مضمونی روایات پیرامون اصالت یا نسیت عزلت و الفت

در نوشتار پیش رو روایات معتبر متعددی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که از لحاظ ظاهری، برخی از آنها در تعارض با یکدیگر قرار دارند. برای یافتن این احادیث از ریشه‌هایی نظیر «ألف، عَزَل، فَرَد» به همراه مشتقات آنها و همچنین کلیدواژه‌هایی مانند «مجلس، مُصاحب، مُقارنه و مفارقه» بهره‌گیری شد. از این رو، پس از فیش‌برداری و جمع‌آوری تمامی اطلاعات در این زمینه، از طریق نرم افزار مکس کیو دی ای^۱، به کدگذاری پرداختیم.

^۱ Maxqda

به صورت نمونه و اختصار، به بخشی از احادیث و مضامین محوری بحث در جدول زیر اشاره می‌گردد:

جدول ۱: نمونه‌ای از تحلیل مضمون خانواده حدیث الفت و عزلت

کد	روایات
اصالت الفت / رفع نیازهای اجتماعی	«إِنَّهُ لَا يُدُّ لَكُمْ مِنَ النَّاسِ إِنَّ أَحَدًا لَا يَسْتَعِينِي عَنِ النَّاسِ حَيَاتُهُ، وَ النَّاسُ لَا يُدُّ لِبَعْضِهِمْ مِنْ بَعْضٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۱۶۲)
اصالت الفت / همدلی	«لِقَاءِ الْإِخْوَانِ مَعْنَمٌ جَسِيمٌ وَإِنْ قُلُوا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۷۹)
اصالت الفت / رفع حوائج مردم	«خَالَطُوا النَّاسَ وَ آتَوْهُمْ وَ أَعْيَنُوهُمْ وَ لَا تَجَانِبُوهُمْ وَ قُولُوا لَهُمْ كَمَا قَالَ اللَّهُ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۳۱۸)
اصالت الفت / مذمت عزلت	«الْمُؤْمِنُ مَأْلُوفٌ وَ لَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يَأْلَفُ وَ لَا يُؤْلَفُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۰۲)
اصالت عزلت	«فَكُنْ فِي الدُّنْيَا وَجِيدًا غَرِيبًا مَهْمُومًا مُخْرُومًا مُسْتَوْحِشًا مِنَ النَّاسِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۹۸)
اصالت عزلت / سلامتی دین	«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ تَكُونُ الْعَاقِبَةُ فِيهِ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تَسَعَةٌ مِنْهَا فِي اعْتِزَالِ النَّاسِ وَ وَاحِدٌ فِي الصَّمْتِ» (حرانی، ۱۴۰۳، ص ۴۴۶)
اصالت عزلت / عبادت پروردگار	«الْعَزْلَةُ عِبَادَةٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۱۸۵)
اصالت عزلت / سلامتی دین	«السَّلَامَةُ فِي التَّفَرُّدِ» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۳۹۳)
اصالت عزلت / قرارگیری در حصن الهی	«مَصَاحِبُ الْعَزْلَةِ مُتَحَصِّنُونَ بِحِصْنِ اللَّهِ وَ مُحْتَرِسُونَ بِحِرَاسَتِهِ فَيَأْخُذُونَ بِمَنْ تَقَرَّدَ بِهِ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۱۱۰)
نسبیت الفت و عزلت / عدم شرکت در	«مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَجْلِسُ مَجْلِسًا يُنْتَفَعُ فِيهِ إِمَامٌ أَوْ يُعَابُ فِيهِ مُؤْمِنٌ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۷۷)

مجلس سوء علیه امام و مومن	
نسبیت الفت و عزلت / عدم شرکت در مجالس معصیت	«لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَجْلِسَ مَجْلِسًا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَى تَعْيِيرِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۷۴)
نسبیت الفت و عزلت / دوری از مواضع تهمت	«إِيَّاكَ وَ مَوَاطِنَ التَّهْمَةِ وَ الْمَجْلِسَ الْمَطْطُونَ بِهِ السُّوءُ فَإِنَّ قَرِينَ السُّوءِ يُعَيِّرُ جَلِيسَهُ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۳۷)
نسبیت الفت و عزلت / دوری از مواضع تهمت	«مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَتُومُّ مَكَانَ رَيْبَةٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۷۸)
نسبیت الفت و عزلت / عدم حضور در مجالس ناهمطراز	«تَمَانِيَةٌ إِنْ أُهِنُوا فَلَا يَلُومُوا إِلَّا أَنْفُسَهُمْ... وَ الْجَالِسُ فِي مَجْلِسٍ لَيْسَ لَهُ بِأَهْلٍ» (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۴۳۴)

اما اصلی‌ترین مرحله در روش تحلیل مضمونی، تجزیه و تحلیل اطلاعات و ارائه گزارش است؛ تا به وسیله آن بتوان شبکه‌های مضامین را ترسیم نمود. هدف از این کار، بررسی مجدد سؤالات تحقیق و علایق نظری نهفته در آنهاست تا با بحث و بررسی عمیق الگوهای به دست آمده از تشریح متن، به سؤالات اصلی تحقیق پاسخ داده شود (استیرلینگ، ۲۰۰۱). البته باید توجه داشت که شبکه‌های مضامین، ابزاری برای تحلیل هستند و نه خود تحلیل. این شبکه‌ها به پژوهشگر کمک می‌کند فهم عمیق‌تری از گزاره‌ها را کسب نموده و به بطون معانی راه یابد؛ و همچنین راهی مناسب در جهت رسیدن به الگوهای موجود در متن است. در این بخش، پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها و فراهم کردن شبکه مضامین، به شرح و بسط این منظومه معنایی می‌پردازیم.

۱-۱. اعتبار سنجی احادیث

بررسی اعتبار احادیث و اطمینان یافتن از صدور آنها توسط معصومین علیهم السلام پیش از ورود به بحث امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. اولین قدم در مسیر اعتبار سنجی احادیث، بررسی منابع و ارزیابی آنها از جهت اعتبار مؤلف کتاب یا اصل حدیثی و صحت انتساب مکتوبه به اوست. احادیثی که در این نوشتار در باب روابط اجتماعی (الفت یا عزلت) گردآوری و دسته

بندی گردیده‌اند، همگی از کتب قطعی الانتساب به مؤلف آن بوده‌اند. علاوه بر این، در این نوشتار سعی شده است از روایات موجود در مجامع حدیثی مشهور و معتبر متقدم نظیر الکافی، تحف العقول، غررالحکم و... که در میان علمای شیعه از اعتبار بالایی برخوردار هستند بهره‌گیری شود. بنابراین با حصول اطمینان از اعتبار صدوری احادیث، اکنون به بررسی و تبیین مضامین و ترسیم شبکه مضمونی خواهیم پرداخت.

۲. شبکه مضامین الفت و عزلت از منظر روایات

با تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌های روایی در موضوع الفت و عزلت، در نهایت به ۲۳ مضمون اولیه دست یافتیم و در ادامه، فرآیند پژوهش نشان داد که سایر روایات و مضامین مرتبط با بحث، به نوعی تکرار همین مضامین پایه‌ای بوده‌اند؛ به صورتی که دیگر امکان اضافه شدن مضمون جدیدی به این دسته وجود ندارد. از این رو، تمامی روایات مرتبط با بحث الفت و عزلت، به دو شکل قابل تقسیم هستند:

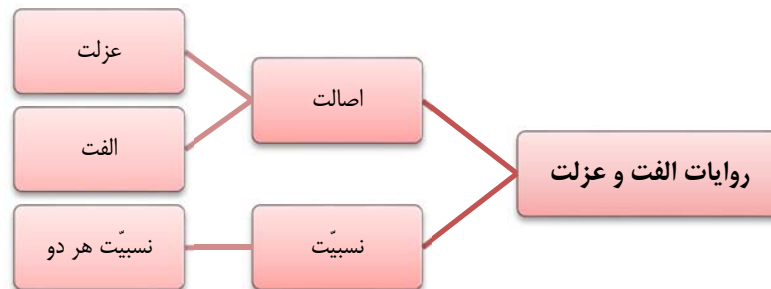
۱- برخی از روایات به صورت مطلق، متضمن اصالت یکی از این دو مفهوم متضاد

(الفت-عزلت) هستند و به اهتمام به آن تأکید دارند.

۲- برخی از روایات، در بردارنده نسبت الفت و عزلت می‌باشد؛ بدین صورت که در

مواجهه با اموری خاص، می‌بایست عزلت یا الفت اختیار نمود. با توضیحات ارائه شده، می‌توان همه روایات و مضامین اولیه را در ۲ دسته کلان طبقه بندی نمود و برای هر دسته، مواردی را ذکر کرد که در شناخت صحیح مضامین روایی بحث مورد نظر بسیار مهم است. در تصویر زیر، طبقه بندی کلی روایات مورد بحث نشان داده شده است:

نمودار ۱: دسته بندی کلی احادیث خانواده الفت و عزلت



در این بخش، ابتدا به بررسی روایاتی که دارای اصالت مفهومی الفت و یا عزلت هستند پرداخته و سپس، عوامل مؤثر در نسبی شدن آنها را پیجویی نموده و در انتها، طرح مفهومی شبکه مضامین عزلت و الفت را ترسیم خواهیم نمود. لازم به ذکر است برای توضیح هر کدام از این موارد، به علت محدودیت حجمی، صرفاً به شرحی اجمالی و ذکر روایات مثبتة بسنده نموده و آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱-۲. اصالت الفت

الفت از ماده (ألف) به معنای انضمام چیزی بر چیز دیگر است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۰۶) و از لحاظ اصطلاحی، پیوندی روحی و همنشینی است که میان دو نفر ایجاد می‌شود. بسیاری از احکام فقهی اسلامی، معطوف به اجتماع و جامعه است؛ چنانکه همه فروع هشت گانه دین - بجز روزه - تشریفات هستند که به ارتباطات اجتماعی ناظرند، بعضی از آنها مانند نماز در عین اینکه فردی‌اند، ولی تظاهر جمعی مشخص می‌یابند؛ مثلاً در قالب جماعت و جمعه و یا در عید فطر و قربان مظهر اتحاد می‌شوند، و برخی دیگر همانند حج و خمس و زکات و امر به معروف و نهی از منکر همگی به رفتار جمعی و روابط انسان‌ها معطوف می‌باشند. از این رو، برخی از دانشمندان اسلامی، بر این باورند که انسان مدنی بالطبع است (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲۵، ص ۲۴۶)؛ به این معنا که سازمان وجودی انسان به گونه‌ای است که باید در جمع زندگی کند. روایات بسیاری نیز بر همین موضوع تأکید داشته و الفت گرایی را به عنوان یک اصل مطرح می‌سازد که در این مجال به صورت مختصر، به شبکه مضامین این روایات خواهیم پرداخت.

۱-۱-۲. رفع نیازهای اجتماعی

یکی از موارد مهمی که در لسان روایات با مفهوم الفت و برقراری روابط اجتماعی عجین شده است، رفع نیازهای مردم می‌باشد. از این رو بسیاری از روایات، دلالتی صریح بر الفت و ایجاد همگرایی در اجتماع اسلامی دارند. در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که ایشان فرمودند: «إِنَّهُ لَا بُدَّ لَكُمْ مِنَ النَّاسِ إِنَّ أَحَدًا لَا يَسْتَعِينُ عَنِ النَّاسِ حَيَاتُهُ وَ النَّاسُ لَا بُدَّ لِبَعْضِهِمْ مِنْ بَعْضٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۱۶۲)؛ مردم ناچارند که بعضی برای بعضی دیگر باشند. در نتیجه اسلام نه تنها از مصاحبت و مجالست نهی نکرده، بلکه برعکس از کناره‌گیری از اجتماع نهی نموده است. در روایت دیگری از امام صادق (ع) آمده است: «وَ خَالَطُوا النَّاسَ وَ أَتَوْهُمْ وَ أَعْيُنُهُمْ وَ لَا تُجَانِبُوهُمْ وَ قُولُوا

لَهُمْ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۳۱۸)؛ با مردم بیامیزید، در جمع آنها شرکت کنید و آنان را در امورشان یاری نمایید، منزوی نباشید و از جامعه کناره نگیرید. در نتیجه با توجه به این دسته از روایات که در آن بر اصالت الفت به عنوان امری ضروری تأکید شده است، معلوم می شود انزوا و انفراد به عنوان اصلی زیبا در فرهنگ اسلام مطرح نیست.

۲-۱-۲. همدلی

از منظر روایات موارد متعددی وجود دارد که در آن، فرد را به همدلی و الفت به دوستان تحریص و ترغیب می کند و از انزوا بر حذر می دارد. دیدار و رابطه میان دوستان، موجب همدلی شده و در شکل گیری اجتماع دینی بسیار مؤثر است. در روایتی آمده است: «لَقِيَ الْأَخْوَانَ مُعْنَمَ جَسِيمًا» (ابن بابویه، ۱۴۰۲، ص ۳۴)؛ دیدار دوستان یک غنیمتی بزرگ و ارزشمند است. و یا در روایتی دیگر از امام باقر(ع)، دید و بازدید و داشتن مجالسی برای دیدار یکدیگر، مورد تأیید و تحسین حضرت(ع) قرار می گیرد: «أَتَتَجَالِسُونَ؟ قُلْتُ نَعَمْ. قَالَ وَاهَا لِيَلُكَّ الْمَجَالِسِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۲، ص ۳۴). به همین دلیل است که الفت و رابطه با مردم، موجب ایجاد نوعی احساس محبت و همدلی می گردد: «عَاشِرُوا النَّاسَ عِشْرَةً إِنْ غِثْتُمْ حُنُوًا إِلَيْكُمْ وَ إِنْ قُدِدْتُمْ بَكْوًا عَلَيَّكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۱۶۳).

۳-۱-۲. مایه نزول رحمت الهی

مضمون دیگر استخراج شده در جدول تحلیل روایات پیرامون اصالت الفت، جلب رحمت و نزول برکات الهی است. اساساً جلب برکات الهی در امور جمعی نهاده شده و این موضوع به صورت مکرر در روایات مورد تأکید قرار گرفته است: «فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى [مَعَ] الْجَمَاعَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۳، ص ۳۷۳). از این منظر، رویکرد چنین روایاتی، منعطف بر الفت و ایجاد ارتباطات اجتماعی ارزیابی می گردد. در روایتی از حضرت باقر(ع) بر این مهم اشاره شده است: «اجْتَمِعُوا وَ تَذَاكُرُوا تَخَفَّ بِكُمْ الْمَلَائِكَةُ رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْيَا أُمَّرْنَا» (ابن بابویه، ۱۴۰۲، ص ۳۸)؛ گرد هم آید و از یکدیگر یاد کنید، تا فرشتگان پیرامون شما را فرا گیرند.

۴-۱-۲. بی خیر بودن فرد عزلت نشین

در اسلام به عنوان دین خاتم، مسئله معاشرت نه تنها نهی نشده، بلکه آنچه بیش از هر چیز تأکید بدان گشته مصاحبت و الفت است. در همین راستا، علاوه بر روایاتی که بر الفت و همگرایی توصیه و تشویق دارند، روایاتی نیز در مذمت عزلت و گوشه گیری از اجتماع صادر گردیده است.

از جمله آنکه در باب دوستی و الفت، از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که فرمودند: «لَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يَأْلَفُ وَلَا يُؤْلَفُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۴، ص ۲۹۸)؛ در کسی که نه الفت می‌گیرد و نه الفت می‌پذیرد، هیچ خیری نیست.

۲-۱-۵. مایه احیاء ذکر اهل بیت علیهم السلام

یکی دیگر از مضامینی که در جدول تحلیل روایات با موضوع الفت و عزلت به چشم می‌خورد، استفاده از فرصت مجالست برای زنده نگه داشتن ذکر و یاد اهل بیت (ع) می‌باشد. این جمله در اینگونه روایات زیاد استفاده شده که: «رَحِمَ اللهُ مَنْ أَحْيَا أَمْرَنَا» یا «رَحِمَ اللهُ عَبْدًا أَحْيَا ذِكْرَنَا». به همین منظور، یکی از راهکارهایی که معصومین (ع) در این زمینه بدان اشاره فرموده‌اند، بهره‌گیری از ارتباطات اجتماعی و افزایش تعاملات بیناشخصی می‌باشد. برای نمونه، امام باقر (ع) در پاسخ به چستی احیاء ذکر، آن را با ملاقات و یاد نمودن از همدیگر مرتبط می‌داند: «مَا أَحْيَاءُ ذِكْرُكُمْ؟ قَالَ التَّلَاقِي وَ التَّدَاكِرِ...» (ابن بابویه، ۱۴۰۲، ص ۳۴). به این معنا، خط معنوی دینداران به وسیله این اجتماعات زنده شود. از این رو، صراحت روایات مورد بحث، حاکی از وجود پیوندی عمیق میان الفت مؤمنان در جهت حفظ دینداری و عمل به وظایف شرعی خویش است.

۲-۱-۶. نشانه اسلام و عقل

در برخی از روایات، روابط اجتماعی و با خبر شدن از احوال مردم را به عنوان مشخصه‌ی مسلمان بودن معرفی شده است؛ به گونه‌ای که عدم اهتمام به امور مسلمانان، فرد را از دایره اسلام خارج می‌نماید: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶۳). علاوه بر این، الفت و دوستی با مردم، به عنوان قله و اساس عقلانیت برشمرده شده است: «رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ التَّحَبُّبُ إِلَى النَّاسِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۱۵۸)؛ اساس عقل پس از ایمان به خداوند، دوستی با مردم است.

۲-۱-۷. مذمت عزلت

آخرین مضمونی که در جدول مضامین اصالت الفت به آن می‌پردازیم، مذمت عزلت است. بسیاری از روایات، گوشه‌گیری و رهبانیت را مذمت نموده و آن را در اسلام موجه نمی‌دانند. برای نمونه در روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده: «لَيْسَ فِي أُمَّتِي رَهْبَانِيَّةٌ وَلَا سِيَاخَةٌ وَلَا زَمٌّ يَعْنِي سُكُوتٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۱۱۵)؛ در امت من رهبانیت و سیاحت و سکوت و خاموشی ممنوع است. یا در روایت دیگری، امام کاظم (ع) در پاسخ به سؤالی در مورد بیابان گردی و

عزلت از اجتماع، آن را مجاز نمی دانند: «هَلْ يَصْلُحُ أَنْ يَسِيحَ فِي الْأَرْضِ أَوْ يَتَرَهَّبَ فِي بَيْتٍ لَا يَخْرُجُ مِنْهُ؟ قَالَ لَا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۱۱۹).

۲-۲. اصالت عزلت

دومین مضمون کلانی که در خانواده احادیث الفت و عزلت وجود دارد، روایاتی با مفهوم اصالت عزلت است. واژه عزلت و اعتزال از ماده (عزل) به معنای کناره گیری و دوری از چیزی است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۱۱۷). این اصطلاح در امور دینی، هنگامی رواج یافت که برخی از پیروان حضرت عیسی (ع) که نگران نابود شدن دین و آموزه های ایشان بودند، به حفظ دین به غارها و کوهستان ها پناه برده و از مردم کناره گرفتند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۶۶).

به طور کلی، این روایات بر گوشه گیری و عدم تعامل با مردم دلالت دارند؛ به گونه ای که اجتماعی زندگی کردن در نهاد انسان وجود نداشته و آمیخته به زندگی او نیست و جبر، زندگی او را اجتماعی کرده است. از این رو اجتماعی بودن، عَرَضی است و نه ذاتی. در روایتی از امام صادق (ع)، گوشه گیر بودن و عزلت در دنیا که به مانند پرنده ای تنها تشبیه شده، شرط دیدار با خداوند برای یکی از انبیاء بنی اسرائیل این چنین ذکر شده است: «فَكُنْ فِي الدُّنْيَا وَحِيداً غَرِيباً مَهْمُوماً مَحْزُوناً مُسْتَوْحِشاً مِنَ النَّاسِ بِمَنْزِلَةِ الطَّيْرِ الْوَاحِدِ الَّذِي يَطِيرُ فِي الْأَرْضِ الْفَقَارِ وَ يَأْكُلُ مِنْ رُءُوسِ الْأَشْجَارِ وَ يَشْرَبُ مِنْ مَاءِ الْعُيُونِ فَإِذَا كَانَ اللَّيْلُ أَوَى وَحْدَهُ وَ لَمْ يَأُوْ مَعَ الطُّيُورِ اسْتَأْنَسَ بِرَبِّهِ وَ اسْتَوْحِشَ مِنَ الطُّيُورِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۹۸)؛ در دنیا وحید و غریب و مهموم و محزون و هراسناک باش از مردم؛ چون یک پرنده که در بیابانی خالی از سکنه بسر برد و از برگ درختان بخورد و از چشمه ها بنوشد و شب هنگام تنها می آرمد و با پرندگان نیاساید و با پروردگار خود انس کند و از پرندگان بهراسد. روایات بسیاری در این باب وجود دارد که به صورت مختصر، به شبکه مضامین این روایات خواهیم پرداخت.

۲-۱. عبادت پروردگار

از مهمترین عواملی که در زمینه عزلت گرایی در جدول تحلیل روایات با موضوع الفت و عزلت مطرح گردیده است، عبادت و پرستش خداوند می باشد. در واقع عزلت، موجب دوری از تعلقات دنیوی شده و تمامی هم و غم مادی را از شخص دور می سازد و زمینه را برای عبادت و نیایش با پروردگار فراهم می سازد. در حدیثی نبوی آمده است: «الْعَزْلَةُ عِبَادَةٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۱۸۵)؛ گوشه گیری و عزلت عبادت است. در حدیثی دیگر، نفس عزلت و گوشه گیری را نوعی عبادت بر می شمارد: «نعم العبادة العزلة» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۱۵۷)؛ خوب

عبادت‌ست عزلت، بدین معنا که گوشه‌گیری و کناره‌جستن از اختلاط با مردم که اختلاط با ایشان بغير زیان و خسران آخرت ثمره‌ای ندارد مورد تأکید قرار دارد.

۲-۲-۲. سلامتی دین

با بررسی و تحلیل مضامین عزلت، حفظ دین و مصون ماندن آن از آفت و صدمات، از مهم‌ترین مواردی است که بدان اشاره شده است. در این دسته از روایات، عزلت به عنوان عاملی در جهت سلامتی دین معرفی شده است. در روایتی از امیرالمؤمنین (ع) آمده است: «سَلَامَةُ الدِّينِ فِي اعْتِزَالِ النَّاسِ» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۱۴۰). در برخی روایات، همین مضمون در قالب واژه تفرّد وارد نقل گشته: «السَّلَامَةُ فِي التَّفَرُّدِ، الرَّاحَةُ فِي التَّرَهُّدِ» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۳۹۳). همچنین در روایات ملاحم، عزلت نشینی را یکی از ارکان مهم و لازمه اصلی حفظ دین از بلیات آخر الزمان برشمرده‌اند. برای نمونه از امام رضا (ع) نقل گردیده است: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ تَكُونُ الْعَافِيَةُ فِيهِ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ مِنْهَا فِي اعْتِزَالِ النَّاسِ وَ وَاحِدٌ فِي الصَّمْتِ» (حرانی، ۱۴۰۳، ص ۴۴۶)؛ روزهایی خواهد آمد که عافیت را ۱۰ جزء است و ۹ جزء آن در عزلت و دوری از مردم قرار داده شده است.

۳-۲-۲. عدم قرین شدن با همنشین بد

از آفات مهمی که در بیان معصومین (ع) در مورد همنشینی و الفت مورد توجه و تأکید قرار گرفته است، همنشینی با افراد بد و جلیسان سوء است: «جَلِيسُ الشَّرِّ نَقْمَةٌ» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۳۵۶)؛ همنشین بد گرفتاری می‌آورد. یا در روایتی دیگر، مصاحبت با افراد بد را به مثابه آتشی از جهنم تصویر می‌نماید: «صَاحِبُ السَّوِّ قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۴۱۹). از این رو، توصیه به عزلت نشینی را می‌توان در حفظ و حراست فرد در برابر این آفت مهم قلمداد نمود.

۴-۲-۲. قرارگیری در حصن الهی

از دیگر مضامین مندرج در جداول تحلیل محتوای روایات با موضوع اصالت عزلت، مضمون قرارگیری در حصن الهی می‌باشد که منجر به مصون ماندن از آفات و بلیات دینی خواهد شد. روایتی است از امام صادق (ع) که فرمودند: «مَصَاحِبُ الْعُزْلَةِ مُتَحَصِّنُونَ بِحِصْنِ اللَّهِ وَ مُحْتَرِسُونَ بِحِرَاسَتِهِ فَيَأْتُوهُ لِمَنْ تَفَرَّدَ بِهِ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۱۱۰)؛ شخص گوشه نشین و گمنام در قلعه محکم خداوند متحصن و در پناه لطف او نگهبانی و نگهداری شده است. با توجه به این دسته از روایات، می‌توان این چنین تصور نمود که عزلت به عنوان عامل حفظ کننده دین،

اصالت داشته و الفت و اجتماعی بودن با توجه به اینکه مضرات دینی را به دنبال دارد، مورد تأیید اسلام نیست.

۲-۲-۵. دأب اولیاء و صلحا

عزلت علاوه بر آنکه در روایات به عنوان یک اصل اساسی به منظور دین داری برشمرده شده است، از خصائص و ویژگی‌های اولیاء نیز به حساب آمده است. در برخی از روایات که از عنوان خلوت در مورد عزلت به کار رفته است داریم: «مُلَاذِمَةُ الْخُلُوةِ دَأْبُ الصُّلَحَاءِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۷۰۴). ملازمت و همراهی با خلوت و تنهایی، خوی و عادت صالحان است؛ که با توجه به روایات قبل، بالاترین خلوت، خلوت با معبود است.

۲-۲-۶. نشانه نیرومندی عقل

از دیگر مضامینی که می‌توان در روایات مرتبط با اصالت عزلت بیان نمود، تلازم عقل و عزلت است؛ به این معنا که عزلت را یکی از نشانه‌های عقل و قوت نیروی فاهمه انسان بیان می‌نماید. از جمله این روایات که در آن از عزلت با عبارت «الوحده» تعبیر شده است، روایتی است از امام کاظم (ع) که فرمود: «يَا هِشَامُ الصَّبْرُ عَلَى الْوَحْدَةِ عَلَامَةٌ قُوَّةِ الْعَقْلِ فَمَنْ عَقَلَ عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى اعْتَزَلَ أَهْلَ الدُّنْيَا وَ الرَّاعِبِينَ فِيهَا وَ رَغِبَ فِيمَا عِنْدَ رَبِّهِ وَ كَانَ اللَّهُ أَنَسَهُ فِي الْوَحْشَةِ وَ صَاحِبَهُ فِي الْوَحْدَةِ وَ غِنَاهُ فِي الْعَيْلَةِ وَ مُعْرَهُ فِي غَيْرِ عَشِيرَةٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۳۰۱)؛ ای هشام، شکیبایی بر وحدت و تنهایی علامت نیرومندی عقل است، هر که بینش و عقل نسبت به خدا داشته باشد، از دنیاداران و علاقه‌مندان به دنیا کناره‌گیری می‌کند و متمایل به آنچه نزد خداست می‌شود و خدا آنیس او در وحشت و رفیق او در وحدت و ثروت او در تنگدستی و بدون اینکه قوم و قبیله‌ای داشته باشد، عزت دهنده اوست. در همین راستا، عقل انسان را بهترین راهنما و دوست نامیده‌اند؛ چرا که فقدان عقل عملی موجب ایجاد انحراف در آدمی می‌شود: «صَدِيقُ كُلِّ امْرِءٍ عَقْلُهُ وَ عَدُوُّهُ جَهْلُهُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۱)؛ بهترین دوست و معاشر برای انسان، عقل آدمی است که آنرا بگیرد (و از این مصیبت‌ها و مجالست‌های مضر نجات یابد). لذا معمولاً کسانی که آلوده به اعمال زشت می‌شوند و یا انحراف‌های درونی پیدا می‌کنند، کسانی هستند که عقل از دستشان رفته است و خودشان به خودشان بالاترین جنایت را کرده‌اند.

۲-۲-۷. قرار گرفتن در زمره بهترین مردم

یکی دیگر از مواردی که در زمینه اصالت الفت مورد توجه قرار گرفته است، قرار گرفتن مرتبه عزلت‌نشینان در زمره بهترین مردم است. در روایتی نبوی، هنگامی که راوی از بهترین مردم سؤال می‌کند، ایشان پس از مجاهدان در راه خدا، از عزلت‌نشینان یاد می‌کنند: «أَيُّ النَّاسِ أَفْضَلُ؟ فَقَالَ مُؤْمِنٌ مُجَاهِدٌ بِنَفْسِهِ وَ مَا لَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، قِيلَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ رَجُلٌ مُعْتَزِلٌ فِي شَيْعٍ مِنَ الشَّعَابِ يَعْبُدُ اللَّهَ وَ يَدْعُ النَّاسَ مِنْ شَرِّهِ» (فیض کاشانی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۹)؛ بهترین مردم، فرد مؤمنی است که با مال و جان خود به جهاد در راه خدا روی آورد و پس از او، فردی است که در بیشه‌ای گوشه نشینی و عزلت اختیار نماید.

۲-۲-۸. نشانه معرفت خدا

مضمون دیگری که در مورد اصالت عزلت در جدول تحلیل مضامین وجود دارد، معرفت الهی است. با توجه به موارد پیشین، از آنجایی که عزلت زمینه‌ای مناسب برای عبودیت خدا است، می‌تواند نشانه‌ای از معرفت الهی نیز قلمداد گردد. اویس قرنی گوید: احدی را نیافتم که پروردگار خود را بشناسد و با غیر او انس گیرد (فیض کاشانی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۱۲). صاحب معراج السعاده نیز در مورد عزلت، ضمن بیان اینکه لازمه انس با خداوند و اظهار حب به او، گوشه‌گیری از مردم است، بیان می‌دارد: «جمعی از علما و دانشمندان، عزلت و گوشه‌گیری را افضل می‌دانند نسبت به مصاحبت و الفت با مردم، به جهت اخباری که در مدح عزلت رسیده و به سبب فوایدی که بر آن مترتب می‌گردد، از جمله؛ فراغت برای عبادت و ذکر خدا و یاد او و انس به مناجات خدا و سیر در ملکوت آسمان‌ها و زمین و خلاصی از کثرت معاصی و آموختن اخلاق بد از مردم و مسامحه از امر به معروف و نهی از منکر و استخلاص از فتنه و فساد مردم و مخاصمه و شر و ایدای ایشان و قطع طمع مردم از او و خلاصی از نگاه کردن به اهل ظلم و فسق و جهال و احمقان و غیر این‌ها» (نراقی، بی تا، ص ۵۹۶).

۲-۲-۹. مذمت الفت

در روایات مربوط به این بحث، آنچه بیش از هر چیز مورد تأکید قرار دارد، مذمت الفت و اختلاط با مردم می‌باشد؛ و از این رو است که در روایات آمده: «الْإِسْتِیْنَابُ بِالنَّاسِ مِنْ عِلْمَاتِ الْإِفْلَاسِ» (فیض کاشانی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۱۲)؛ مانوس شدن با مردم، نشان از تهیدستی و بی‌مایگی دارد.



بنابر روایاتی که در موضوع عزلت مورد بررسی قرار گرفت -فارغ از سایر روایات در این باب- حاکی از آن است که عزلت به عنوان یک اصل دینی مورد توجه اسلام قرار دارد. در مجموع می‌توان مزایای عزلت را موارد زیر جمع بندی نمود:

- ۱- برقراری ارتباط با یگانه معبود هستی و انس با او؛ فارغ از تمام امور دنیوی و مادی؛
- ۲- کسب فضائل اخلاقی؛

۳- اجتناب از ردائل اخلاقی که ممکن است در اثر معاشرت با افراد بر انسان عارض شود؛ زیرا معاصی از قبیل غیبت، تهمت، ریا، سکوت از امر به معروف و نهی از منکر و... اگر رابطه‌ای نباشد، اتفاق نمی‌افتد. لذا عزلت هم سود بخش است و هم جلوی زیان‌ها و خطاها و گناهان احتمالی را می‌گیرد (فیض کاشانی، ۱۴۰۳، ج ۴، صص ۱۴-۱۵).

۲-۳. نسبت الفت و عزلت

گونه سوم از روایات، دلالت بر نسبی و مقید بودن عزلت و الفت دارد؛ بدین ترتیب که از رفتن به مجالس و محافلی که برای انسان زیان‌آور باشد، و در عزلتی که بدون هدف و بهره باشد نهی شده است. از این رو، در روابط اجتماعی باید هدفمندی حاکم باشد و پوچی و بی‌هدفی در ارتباطات اجتماعی مورد قبول روایات نیست (نک: تهرانی، جلسه اخلاق ۱۰/۷/۱۳۶۷ ه.ش). روایاتی از این دست نظیر: «جَانِبُوا الْأَشْرَارَ وَ جَالِسُوا الْأَخْيَارَ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ص ۴۳۱) ما را بر فهم نسبت الفت و عزلت سوق می‌دهد؛ از این رو، عدم توجه به این موضوع مهم، منجر به ضرر و زیانی خواهد بود که چه از جنبه معنوی و چه از جنبه مادی قابل بررسی است. در این بخش، به بررسی مضامین روایی که در خصوص الفت و عزلت دارای موضع نسبی و مقید هستند می‌پردازیم:

۲-۳-۱. تنظیم حدود معاشرت با افراد ضربه زننده به دین

از مواردی که در روایات نسبت الفت و عزلت مطرح شده است، مضمون عدم مصاحبت با افرادی است که معاشرت و برخورد با آنها، منجر به انحرافات عقیدتی و دینی می‌شود. از این مجموعه این روایات استفاده می‌شود که آنچه مورد نظر است، مصاحبت و معاشرت است و مسئله انزواگرایی و عزلت مطلوب بالذات نیست، بلکه مطلوب بالعرض تلقی می‌گردد. برای مثال در روایتی از حضرت زین العابدین (ع) نقل شده است که با جماعت دین مدار معاشرت کنید، اما اگر این امکان میسر نباشد -و به دین انسان زیان وارد می‌کند- تنهایی و عزلت بهتر است: «فَالْوَحْدَةُ أَسْوَأُ وَأَسْلَمُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۱۹۶). در ادامه روایت نیز، آمده است

که چنانچه از عزلت و گوشه‌گیری ابا دارید، با اهل مروّت مجالست نمایید؛ چرا که در مصاحبت با آنان، سخنان قبیح گفته نمی‌شود: «فَإِنْ أَبَيْتُمْ إِلَّا مُجَالَسَةَ النَّاسِ فَجَالِسُوا أَهْلَ الْمُرُؤَاتِ فَإِنَّهُمْ لَا يَزُفُونُ فِي مَجَالِسِهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۱۹۶). به این معنا، معلوم می‌شود تنهایی خودش اصل نیست و اصل بر معاشرت و الفت است. به طور کلی، آموزه‌های اسلامی انسان را ملزم به هدف‌دار بودن در تمام روابط اجتماعی می‌کند؛ از این رو، صرف جمع شدن با یکدیگر مطرح نبوده و در کنار این جمع شدن، هدفی نهفته است؛ لذا روایاتی که در این باب وجود دارد، متمرکز بر هدفمندی اجتماع و الفت‌گرایی بوده و آن هدف، تقویت خط معنوی و دینی در ربط با این اجتماع است.

۲-۳-۲. تنظیم حدود معاشرت با جلیس سوء

از دیگر مضامین نسبیّت الفت و عزلت، عدم معاشرت با همنشین سوء است. در این مضمون، هم عدم مجالست و هم عدم مصاحبت مورد توجه قرار گرفته است. تفاوت این دو در آن است که در «مجالست» مقارنه مکانی موضوعیت دارد ولی در «مصاحبت» هم مکان و هم دوام تلاقی منظور است؛ از این رو در مفهوم «مصاحبت»، ملازمت طولانی لازم است تا بگویند شخصی مصاحب دیگری است (نک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۷۵).

این دسته از روایات، الفت را در ربط با جلیس و همنشین تقسیم می‌کنند؛ به گونه‌ای که یک سنخ مجالست‌ها را ستایش نموده و سنخ دیگری را مورد نکوهش قرار می‌دهد. از این نوع تقسیم‌بندی، مطلق نبودن عزلت و الفت فهم می‌شود و نسبی بودن این دو را تفهیم می‌نماید. به عنوان نمونه، در روایتی داریم: «جَلِيسُ الْخَيْرِ نِعْمَةٌ» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۳۵۶)؛ همنشین خوب نعمت است. از طرفی دیگر در مورد مصاحبان بد نیز روایات متعددی وارد شده است: «جَلِيسُ الشَّرِّ نِقْمَةٌ» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۳۵۶)؛ و یا «صَاحِبُ السُّوِّ قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۲۰۱)؛ کسی که ملازم با انسان باشد ولی بد باشد، این قطعه‌ای از آتش است. از این رو در روایات تصریح شده است که با چه کسانی مجالست نموده و از چه کسانی اعراض شود: «جَانِبُوا الْأَشْرَارَ وَ جَالِسُوا الْأَخْيَارَ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۴۳۱)؛ با نیکان مجالست کن و دوری‌گزین از بدان. بر همین مبنا از نظر اسلام، اینکه اجتماعی بودن یا اعتزال به طور مطلق یک امتیاز باشد وجود ندارد؛ بلکه آنچه مورد تأکید قرار گرفته آن است که با کدام جلیس و مصاحب معاشرت شود؟ و امتیاز در آن است که با گروهی خاص معاشرت و مصاحبت گردد. اما اگر امر دائر باشد که میان مصاحبت با افراد سوء و یا تنهایی یکی باید انتخاب شود، سلام امتیاز را به تنهایی و عزلت می‌دهد: «كُنْ بِالْوَحْدَةِ أَسَـَٔ مِنْكَ بِفِرَآءِ السُّوِّ»؛ تو به تنهایی



مأنوس تر باش تا با افرادی همنشین گردی که بدند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۴۳۱). علت نهی اسلام از مجالست با قرین سوء را می توان در دو علت پیجویی نمود: ۱- اینکه این مجالست و مقارنه، مانع از آن می شود که از انسان، خیر صادر گردد: «لِكُلِّ شَيْءٍ آفَةٌ وَ آفَةُ الْخَيْرِ قَرِينُ السَّوِّءِ» (لیثی، ۱۳۷۶، ص ۴۰۲)؛ ۲- از طرفی دیگر، موجب می شود انسان محور صدور شر گردد: «جَمَاعُ الشَّرِّ فِي مُقَارَنَةِ قَرِينِ السَّوِّءِ» (لیثی، ۱۳۷۶، ص ۲۲۳)؛ محور شر آنست که قرین سوء نزدیک انسان گردد. پس در فرهنگ اسلامی هر مجالستی ممدوح نیست و این اختیار سرنوشت ساز برای هر کسی وجود دارد که میان جلیس خیر یا شر، یکی را انتخاب نماید: «مِنْ حُسْنِ الْإِخْتِيَارِ مُقَارَنَةُ الْأَخْيَارِ وَ مُقَارَنَةُ الْأَشْرَارِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۴۲۹).

۲-۳-۳. مصاحبت با نیکان

یکی دیگر از مواردی که در جدول مضامین روایات نسبت الفت و عزلت بدان اشاره شده است، مصاحبت با برادران ایمانی می باشد. در روایتی از امیرالمؤمنین (ع)، ایشان بر اتخاذ همنشینان نیکو توصیه می نمایند: «عَلَيْكُمْ بِالْإِخْوَانِ فَإِنَّهُمْ عُذَّةٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ أَلَا تَسْمَعُونَ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَ لَصَادِقِ حَمِيمٍ» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۳۲۳)؛ بر شما باد به برادران ایمانی، زیرا اینان در دنیا و آخرت به شما سود و منفعت می رسانند (و کمک کار شما هستند). آیا این کلام اهل جهنم را نشنیده اید که: «پس (امروز) برای ما هیچ شفاعت کننده ای نیست، و نه هیچ دوست گرم و صمیمی ای». این مطلب به خوبی نشاندهنده آن است که موضوع مورد الفت و عزلت، اطلاق ندارد؛ بلکه قیودی از جمله روایت فوق بر آن حاکم بوده و این سخن اشاره دارد به اینکه در روز قیامت، هر کس با مصاحب خویش محشور می شود (نک: طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۵، صص ۴۳۶-۴۳۷). حال اگر مصاحب انتخاب شده توسط انسان، فردی نیکو باشد، مورد شفاعت وی قرار خواهد گرفت. روایتی دیگر در این زمینه: «مَجَالِسُ الصَّالِحِينَ دَاعِيَةٌ إِلَى الصَّلَاحِ» (حرانی، ۱۴۰۳، ص ۲۸۳). علاوه بر این، توصیه های فراوان معصومین (ع) در مورد مجالست و مصاحبت با افرادی خاص نظیر علماء و دانشمندان نظیر: «مَجَالِسُ الْعُلَمَاءِ يَزِدُّدُ عِلْمُكَ» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۳۷۳)، یا مسکینان: «أَجْبُوا الْمَسَاكِينَ وَ جَالِسُوهُمْ وَ أَعِينُوهُمْ» (ورام، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۲۰) و... نشاندهنده آن است که اولاً بایستی پایه روابط اجتماعی، مبتنی بر هدفمندی در راستای حفظ دین و تعالی انسانی باشد و ثانیاً، با نیکان مصاحبت صورت گیرد.

۲-۳-۴. عدم شرکت در مجالس معصیت

یکی از آفات مهم الفت و اجتماعی بودن، ورود به وادی معصیت الهی به سبب قرار گرفتن در مجالس گناه است که ممکن است خواسته یا ناخواسته رخ دهد. در روایات نیز به این موضوع پرداخته شده و از حضور در مجلسی که در آن معصیت خدا می‌شود، نهی به عمل آمده است: «لَا يَبْغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَجْلِسَ مَجْلِسًا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ وَ لَا يُقَدِّرُ عَلَى تَغْيِيرِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۷۴)؛ سزاوار نیست برای مؤمن در مجلسی شرکت کند که معصیت خدا می‌شود و نمی‌تواند در آن تغییری ایجاد کند. در برخی از روایات، شاخصه صلاحیت یا عدم صلاحیت یک مجلس، نسبت با امام تعیین می‌گردد؛ به صورتی که اگر در آن محفل، حرفی ناروا در مورد امام معصوم (ع) گفته شود، بایستی از آن دوری جست و ترک نمود: «مَنْ قَعَدَ فِي مَجْلِسٍ يُسَبُّ فِيهِ إِمَامٌ مِنَ الْأَئِمَّةِ يُقَدِّرُ عَلَى الْإِنْتِصَافِ فَلَمْ يَفْعَلْ أَلْبَسَهُ اللَّهُ الدُّلَّ فِي الدُّنْيَا وَ عَذَّبَهُ فِي الْآخِرَةِ وَ سَلَبَهُ صَالِحَ مَا مَنَّ بِهِ عَلَيْهِ مِنْ مَعْرِفَتِنَا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۷۹)؛ هر کسی در محفلی بنشیند که رهبران الهی را دشنام و ناسزا می‌گویند، در صورتی که بتواند به پا خیزد ولی این کار را انجام ندهد، خداوند لباس خواری و حقارت بر تن او بپوشاند و در آخرت به عذاب دوزخ درافکند و نعمت شایسته خود را که شناسایی مقام اهل بیت (ع) است، از او سلب می‌نماید. در همین راستا، در ذیل آیه «وَ قَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَ يُسْتَهْزَأُ بِهَا» (نساء: ۱۳۷) نیز از امام صادق (ع) روایت شده است که حضرت فرمود: «إِذَا سَمِعْتُمُ الرَّجُلَ الَّذِي يَخُذُ الْحَقَّ وَ يُكَدِّبُ بِهِ وَ يَقَعُ فِي الْأُئِمَّةِ فَتُمْ مِنْ عِنْدِهِ وَ لَا تُقَاعِدُهُ كَائِنًا مَنْ كَانَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۷۷)؛ اگر بشنوید که ناطق مجلس، حقیقت را انکار می‌کند و آن را دروغ می‌شمارد و به پیشوایان دین دشنام می‌دهد، ناطق هر که می‌خواهد باشد از مجلس او برخیزد. بنا بر روایات فوق، یکی از عوامل مهم در نسبی شدن الفت، محتوای مجالس است و در مواردی که سخن از آنها به میان آمد، ترک مجلس و گوشه‌گیری از مصاحبت با این افراد، لازم و ضروری به نظر می‌رسد؛ چرا که معصیت ولی خدا، معصیت خداست: «مَنْ قَعَدَ عِنْدَ سَبَابٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ تَعَالَى» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۷۹).

۲-۳-۵. دوری از انتقاص مؤمن

مورد دیگری که در زمینه نسبیّت الفت و عزلت مطرح گردیده، پرهیز از همراهی و مجالست در مجلسی است که در آن، به انتقاص یا عیب‌جویی از مؤمن پرداخته می‌شود. در این دسته از روایات که به مانند روایات مورد فوق، امام معصوم (ع) نیز در آن مورد توجه قرار گرفته است، شرط ایمان به خدا و روز آخرت را در عدم شرکت در مجالس این‌چنینی بیان می‌نماید: «مَنْ كَانَ



يَوْمُنَّ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَجْلِسُ بَجَلِيسٍ يُتَّقَصُّ فِيهِ إِمَامٌ أَوْ يُعَابُ فِيهِ مُؤْمِنٌ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۷۷)؛ کسی که به خدا و روز جزا ایمان دارد، در مجلسی که در آن به امام دشنام داده می‌شود و یا از مؤمنی عیب‌جویی می‌شود، شرکت ننماید. نیز در روایتی مشابه روایت فوق، عدم عیب‌جویی برای امام و عدم انتقاص برای مؤمن نسبت داده شده است: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَقْعُدَنَّ فِي مَجْلِسٍ يُعَابُ فِيهِ إِمَامٌ أَوْ يُتَّقَصُّ فِيهِ مُؤْمِنٌ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۷۸). از این رو انسان حق ندارد در هر مجلسی بنشیند و شرکت کند؛ بلکه بسته به شرایط و نوع مجلس، باید الفت یا عزلت اختیار کرد.

۲-۳-۶. دوری از مواضع تهمت

از دیگر مضامینی که در جدول تحلیل مضمونی روایات نسبت الفت و عزلت ثبت شده است، توجه به مسأله دوری از تهمت می‌باشد. این موضوع، چه آنکه در آن مجلس، به کسی تهمت زده شود و چه آنکه شخص با حضور در آن، در موقعیت تهمت و افتراء واقع گردد را شامل می‌شود. برای نمونه، یکی از وصایای حضرت امیرالمؤمنین (ع)، پرهیز از مواضع تهمت است: «إِيَّاكَ وَ مَوَاطِنَ التُّهْمَةِ وَ الْمَجْلِسَ الْمَظْنُونِ بِهِ السُّوءِ فَإِنَّ قَرِيْنَ السُّوءِ يُعَيِّرُ جَلِيسَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۹۸)؛ مبدا به مواضع تهمت و مجلسی که در آن احتمال سوء و ناروایی هست گام بگذاری، چون همدم بد، همنشین خود را هم تغییر می‌دهد. از این رو، گاهی به‌مانند روایت پیشین، بر پرهیز از مجلسی که محتوایی نامناسب -از جمله تهمت- دارد تأکید شده است، و گاهی نیز مرتبط با مجلس و جمع است؛ به گونه‌ای که از نفس این نوع مجالس بهره برداری سوء می‌شود، هر چند که حرف‌های ناحق و بدی هم در آن نباشد. در واقع، صرف ارتباط فرد با جمعی که آن جمع به لحاظ عملی یا اعتقادی و یا اخلاقی متهم هستند منجر به قرارگیری در مواضع تهمت می‌گردد. در همین راستا از امام صادق (ع) روایت شده است: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَقُومُ مَكَانَ رِيَّةٍ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۷۸). مراد از مقام ریه آنست که در موقعیت تهمت و شک خود را قرار ندهد، که در این صورت به فسق ظاهری در نزد مردم متهم می‌گردد و چه بسا آلودگی باطنی هم برایش ایجاد گردد (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۱۰، ص ۴۰). در این صورت اگر کسی به او سوءظن برد، او را ملامت نکند، چرا که سزاوار تهمت گشته است: «أَوَّلَى النَّاسِ بِالتُّهْمَةِ مَنْ جَالَسَ أَهْلَ التُّهْمَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۹۰) و فقط خودش را ملامت کند: «مَنْ دَخَلَ مَوْضِعًا مِنْ مَوَاضِعِ التُّهْمَةِ فَأَتَاهُمْ لَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۳۶)؛ زیرا همانگونه که قبلاً گفته شد، انسان در انتخاب مجلس، صاحب اختیار است.

۲-۳-۷. عدم حضور در مجالس ناهمطراز

آخرین موردی که در مورد مضامین نسبت الفت و عزلت مطرح است، دوری جستن از مجالسی است که تناسبی با انسان ندارد. به عبارت دیگر، در صورت اهلیت نداشتن فرد در ایجاد ارتباط و الفت با جمع و مجلسی، نباید با آن جمع ارتباط برقرار کند. علت اصلی این موضوع، در حفظ کرامت انسان نهفته شده است؛ چرا که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «تَمَانِيَةٌ إِنْ أَهِنُوا فَلَا يَلُومُوا إِلَّا أَنْفُسَهُمْ... وَ الْجَالِسُ فِي مَجْلِسٍ لَيْسَ لَهُ بِأَهْلٍ» (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۴۳۴)؛ یکی از هشت گروهی که اگر مورد اهانت قرار گیرند جز خود را سرزنش نکنند، آن فردی است که در مجلسی شرکت کند که او را نشاید. از نظر مفهوم روایت، به نظر می‌رسد منظور آن است که ممکن است کلماتی نادرست از این فرد صادر گردد که مورد استهزاء قرار گیرد.

۳. بررسی و تحلیل خانواده احادیث

تشکیل خانواده حدیثی روایات پیرامون بحث و تحلیل مضمون آنها، ما را به این نتیجه سوق می‌دهد که الفت و عزلت به عنوان یکی از مهمترین آموزه‌های اسلامی، از اطلاق برخوردار نبوده و امری نسبی است؛ به این معنا که اجتماعی بودن و یا گوشه‌گیری از اجتماع، تابع شرایط و موقعیت بوده و اسلام به صورت مقید بر آن تأکید نموده است. اساس روابط اجتماعی، باید بر پایه هدفی خاص مبتنا یابد که این هدف، دائر مدار دین است. به عبارت دیگر، اجتماعی که منهای خط فکری دینی باشد و ثمره‌اش تقویت خط معنوی نباشد از نظر اسلام بی‌ارزش است؛ همان گونه که عزلت بی‌دلیل نیز ارزشمند نیست.

در همین راستا در روایتی از امام صادق (ع)، هنگامی که از علت گوشه‌گیری ایشان از مردم سؤال می‌شود، ایشان علت را در شرایط فاسد و تغییر احوال جامعه دانسته و می‌فرماید: «فَرَأَيْتُ الْإِنْفِرَادَ أَسْكَنَ لِلْفُقُودِ» (فیض کاشانی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۹). لذا حضرت عامل زمان و معاشین را مطرح فرموده و علت عزلت را منعطف به آن قید می‌نمایند. از طرفی دیگر، ایشان نسبت به عزلت‌گرایی بی‌دلیل یکی از شیعیان، عدم رضایت خویش را ابراز می‌دارند: «قَالَ لَهُ رَجُلٌ جُعِلْتُ فِدَاكَ، رَجُلٌ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ لَزِمَ بَيْتَهُ وَ لَمْ يَتَعَرَّفْ إِلَى أَحَدٍ مِنْ إِخْوَانِهِ. قَالَ: كَيْفَ يَتَفَقَّهُ هَذَا فِي دِينِهِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۳۵۴). بنابراین باید توجه داشت که مضمون الفت یا عزلت در روایات، مطلق نیستند و در شرایط زمانی و مکانی خاص معنا پیدا می‌کنند. تقسیم‌بندی سه‌گانه مجالس در روایتی نبوی، ما را به سوی معنای صحیح الفت و عزلت رهنمون می‌سازد: «الْمَجَالِسُ ثَلَاثَةٌ: غَانِمٌ وَ سَلَامٌ وَ شَاحِبٌ. فَأَمَّا الْغَانِمُ فَالَّذِي يَذْكُرُ اللَّهَ تَعَالَى فِيهِ وَ أَمَّا السَّلَامُ فَالْسَّلَامُ وَ أَمَّا الشَّاحِبُ



فَالَّذِي يُخَوِّضُ فِي الْبَاطِلِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۱۸۹)؛ مجالسی که منعقد می‌گردد و افرادی که جمعی را تشکیل می‌دهند سه دسته هستند: اول، مجالسی که به انسان بهره می‌رساند. دوم، مجالسی که سالم است یعنی ضربه به انسان نمی‌زند و سوم، مجالسی که از انسان می‌کاهد، اما مجالسی که به انسان بهره می‌رساند، در آن یاد خداوند می‌شود، و مجالسی که سالم است در آن سکوت حاکم است و مجالسی که ضربه می‌زند، حاوی محتوایی فرو برنده در باطل می‌باشد. با توجه به روایت فوق، مشخص می‌شود که اسلام نه مطلقاً الفت‌گرایی و روابط اجتماعی را تخطئه کرده، و نه از هر گونه عزلت‌گرایی منع نموده است؛ بلکه برای هر کدام از آنها، حدود و قیودی قائل شده و رابطه‌ای نسبی را مد نظر قرار داده است و این قیود، در راستای دین و کسب منفعت دینی و تعالی انسانی تعریف گشته است. این موضوع حتی در نامگذاری ابواب جوامع حدیثی نیز مورد توجه محدثان قرار داشته است (برای نمونه: وسائل الشیعه، کتاب الجهاد: بَابُ اسْتِخْبَابِ لُزُومِ الْمَنْزِلِ عَالِيًا مَعَ الْإِثْيَانِ بِجُفُوقِ الْإِخْوَانِ لِمَنْ يَشْتَقُّ عَلَيْهِ اجْتِنَابُ مَفَاسِدِ الْعِشْرَةِ). از این رو، اطلاق حکم و یا ترجیح یکی از دو گونه‌ی ارتباط - الفت یا عزلت - بر دیگری خطاست؛ چرا که برای مثال، شخصی جاهل که هیچ یک از امور دینی را نمی‌داند، صرفاً با مؤانست و رفت و آمد با علما می‌تواند از جهل خارج شود (نک: نراقی، بی‌تا، ص ۵۹۷). پس صحیح آن است که بگوییم افضلیت عزلت و الفت، متناسب با اشخاص و احوال و زمان و مکان تعریف می‌شود و هر شخص متناسب با کمال انسانی و منفعت دینی خویش، تناسبی میان الفت و عزلت برقرار نماید؛ چه بسا برای بعضی کناره‌گیری از مردم و عزلت تام، افضل باشد و برای بعضی دیگر، الفت و اجتماعی‌گرایی با مردم، و برای دیگری، دوری از بعضی و الفت با بعضی (نک: نراقی، بی‌تا، ص ۵۹۷). کسی که از نفس خود در مواجهه با مردم و اختلاط با آنها، بیم فساد داشته باشد، باید تنهایی را برگزیند؛ تا نفس خویش را به متخلق به اخلاق نیکو نموده و از مفسده‌هایی که در اختلاط با مردم ممکن است ایجاد شود، ایمنی باید و پس از آن اگر در برقراری رابطه اجتماعی با ایشان فایده‌ای ببیند اختلاط کند. حاصل بحث آنکه؛

۱- الفت و عزلت، عاملی دو سویه در جهت رشد یا تخریب کمالات اخلاقی و معنوی انسان است.

۲- با توجه به روایات مقید و نسبی، ترجیح یکی از این دو (الفت - عزلت) بر دیگری خطاست.

۳- صحیح آن است که بگوییم افضلیت عزلت و الفت، متناسب با اشخاص و احوال و زمان و مکان تعریف می‌شود.

۴- آنچه در الفت و عزلت اهمیت دارد آن است که هر دو این امور، مبتنی بر هدف و انگیزه‌ای باشند که موجب کمال و حفظ دین شخص باشد.

نتایج تحقیق

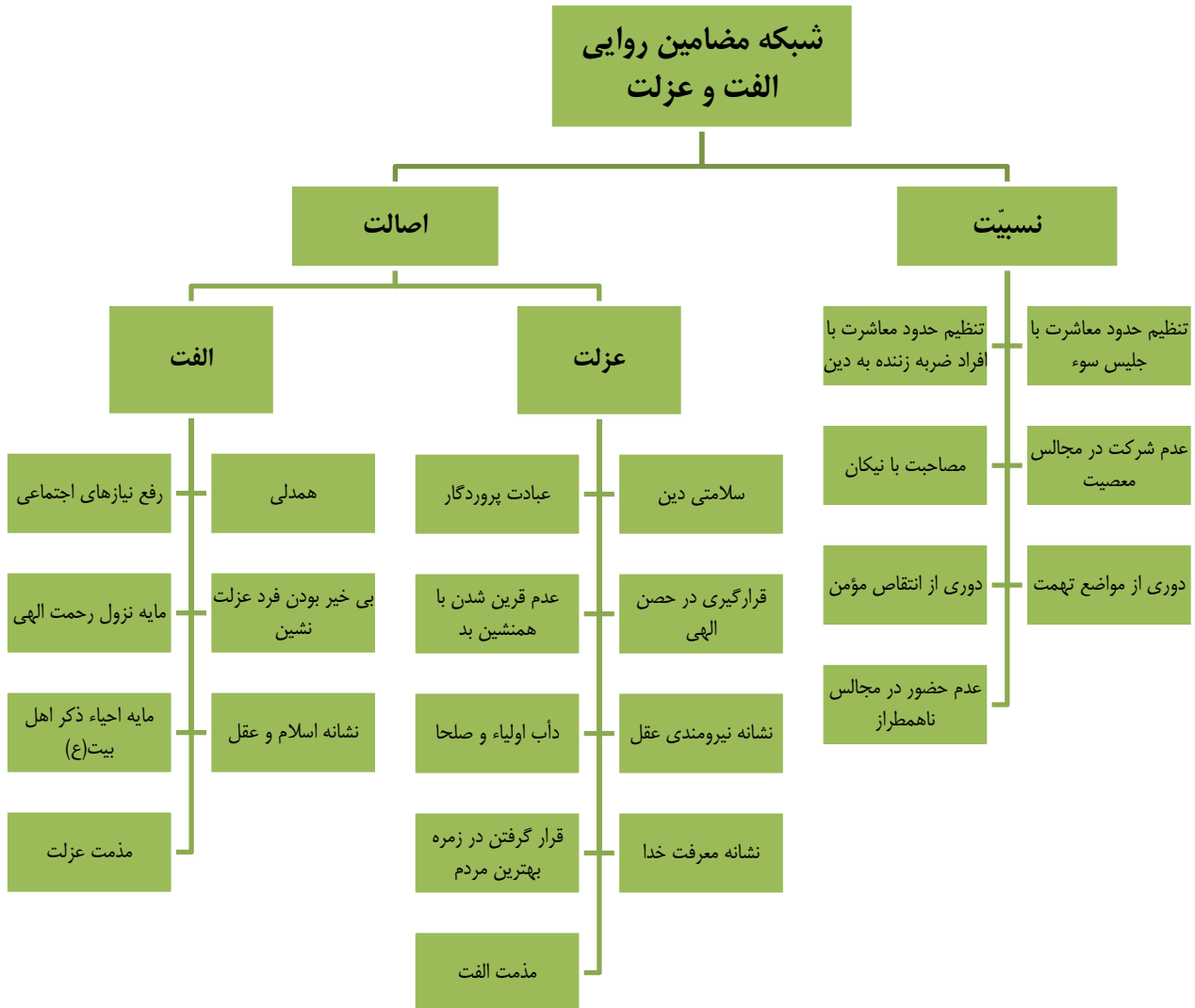
تحلیل مضمون روایات خانواده حدیثی الفت و عزلت حاکی از آن است که ترجیح یکی از این دو (اعتزال یا معاشرت) بر دیگری خطاست و صحیح آن است که بگوییم افضل بودن عزلت و الفت نسبت به اشخاص و احوال و زمان و مکان، تفاوت می‌کند، لذا اساساً بحث افضلیت مطرح نیست؛ بلکه در برخی مواقع واجب و گاهی اوقات حرام. لذا هیچکدام مطلق نبوده و مفهومی نسبی به حساب می‌آیند.

یافته‌های تحقیق پس از بررسی روایات، نشان دهنده آن است که از دید کلان، شبکه مضامین روایات الفت و عزلت را می‌توان به دو بخش ۱- اصالت الفت و عزلت و ۲- نسبی بودن آنها طبقه‌بندی نمود.

در بخش اصالت الفت، مضامین ذکر شده عبارتند از: ۱- رفع نیازهای اجتماعی، ۲- همدلی، ۳- مایه نزول رحمت الهی، ۴- بی خیر بودن فرد عزلت نشین، ۵- مایه احیاء ذکر اهل بیت (ع)، ۶- نشانه اسلام و عقل، ۷- مذمت عزلت.

مضامین روایی اصالت عزلت نیز عبارتند از: ۱- عبادت پروردگار، ۲- سلامتی دین، ۳- عدم قرین شدن با همنشین بد، ۴- قرارگیری در حصن الهی، ۵- دأب اولیاء و صلحا، ۶- نشانه نیرومندی عقل، ۷- قرار گرفتن در زمره بهترین مردم، ۸- نشانه معرفت خدا، ۹- مذمت الفت. روایاتی که بر نسبی بودن این دو تأکید دارند و مقیدکننده‌ی روایات مطلق هستند عبارتند از: ۱- عدم معاشرت با افراد ضربه زننده به دین، ۲- تنظیم حدود معاشرت با جلیس سوء، ۳- مصاحبت با نیکان، ۴- عدم شرکت در مجالس معصیت، ۵- دوری از انتقاص مؤمن، ۶- دوری از مواضع تهمت، ۷- عدم حضور در مجالس ناهمطراز.

مجموعه کلی مضامین روایی در این بحث، به صورت زیر ترسیم گشته است:



کتاب‌نامه:

قرآن کریم.

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، *الامالی*، تهران: کتابچی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۲ق)، *مصادقه الاخوان*، قم: لیتوگرافی کرمانی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۳ق)، *تحف العقول*، مصحح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین قم.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰ق)، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- تهرانی، مجتبی (۱۳۸۶ش)، *اخلاق الهی*، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، قم: موسسه آل البيت.
- خمینی، روح الله، (۱۳۷۸ش)، *صحیفه نور*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خوانساری، آقا جمال الدین محمد بن حسین (۱۳۶۶ش)، *شرح غرر الحکم و درر الکلم*، محقق: جلال الدین محدث و حسینی ارموی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت-دمشق: دارالقلم.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، *نهج البلاغه*، محقق: صبحی صالح، قم: هجرت.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۰۷ق)، *الاربعون حدیثا*، قم: مؤسسه امام مهدی (عج).
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق)، *مکارم الاخلاق*، قم: الشریف الرضی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
- عابدی جعفری، حسن و همکاران (۱۳۹۰ش)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی»، *اندیشه مدیریت راهبردی*، شماره ۱۰، صص ۱۵۱-۱۹۸.
- فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۰۳ق)، *محجه البیضاء*، بیروت: انتشارات اعلمی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامی.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶ش)، *عیون الحکم و المواعظ*، قم: دارالحدیث.
- مازندرانی، محمد صالح ابن احمد (۱۳۸۲ق)، *شرح الکافی-الاصول و الروضه*، تهران: المکتبه الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمه الاطهار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۸ش)، *مجموعه آثار*، تهران: صدرا.

نراقی، ملا احمد (بی تا)، *معراج السعاده*، تهران: انتشارات اسلامیة.

نوری، حسن بن محمد (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل*، قم: مؤسسه آل البيت (ع).

ورام، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ق)، *تنبيه الخواطر و نزهه النواظر المعروف بمجموعه ورام*، قم: مکتبه فقهیه.

Attride-Stirling, J. (2001), "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", *Qualitative Research*, Vol. 1, No. 3, Pp. 385-405.

Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.

Patton, M. Q. (1990), *Qualitative evaluation and research methods*, Thousand Oaks, CA: Sage.

Boyatzis, R. E. (1998), *Transforming qualitative information: thematic analysis and code development*, CA: Sage.